



«کسی که برای غیر وارث کوچک یا بزرگ به معروف نه منکر سفارش کند مسلماً وصیتش جایز است»^۱.

۳. در همان تفسیر از علی علیه السلام است:

آن کس که هنگام مرگ [خویش] برای نزدیکان - آنها که ارث نمی‌برند، وصیتی نکند قطعاً کردارش به گناه پایان پذیرفته^۲.

۴. و نیز از محمد بن مسلم از ابی جعفر علیه السلام است:

که گفت: حضرتش را پرسیدم از مردی که از مالش در راه خدا وصیتی دارد فرمود: آن را به همان کس که سفارش کرده اعطا کن، اگرچه یهودی یا نصرانی باشد، زیرا که خداوند فرماید: ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ...﴾^۳

۵. در مورد این که وصیت در حین مرگ برای کسانی است که اندوخته وافر دارند و به مال اندک تعلق نمی‌گیرد، به عنوان نمونه حدیثی در ذیل نقل می‌شود: در تفسیر نور الثقلین از علی علیه السلام روایتی است:

که آن حضرت بر بستر غلام خود هنگام بیماری حضور یافت و او را هفتصد یا ششصد درهم بود، عرضه داشت آیا وصیت نکنم؟ حضرت فرمود: نه، همانا که خداوند سبحانه فرمود: ﴿إِنْ تَرَكَ خَيْرًا﴾ و تو را مال فراوان نیست^۴.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ (۱۸۳).

۱. عن محمد بن قيس عن أبي جعفر علیه السلام قال: من أوصى بوصية لغير الوارث من صغير أو كبير بالمعروف غير المنكر فقد جازت وصيته. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۷۶، ح ۱۶۵.

۲. عن السكوني عن جعفر بن محمد عن أبيه عن علي علیه السلام قال: من لم يوص عند موته لذوي قرابته ممن لا يرث فقد ختم عمله بمعصية. نفس المصدر، ح ۱۶۶.

۳. عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر علیه السلام قال: سألته عن رجل أوصى بماله في سبيل الله، قال: أعطه لمن أوصى له وإن كان يهودياً أو نصرانياً لأن الله يقول: ﴿فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَمَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا أَثَمَةٌ عَلَى الَّذِينَ يَدُلُونَهُ﴾. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۷۷ ح ۱۶۹.

۴. وفيه اختلف في المقدار الذي تجب الوصية عنده، قال ابن عباس ثمانمائة درهم وروى عن علي علیه السلام انه دخل على مولى له في مرضه، وله سبعمائة درهم أو ستمائة فقال: الا أوصى؟ فقال: لا انما قال الله سبحانه ﴿ان تَرَكَ خَيْرًا﴾ وليس لك كثير مال، وهذا هو المأخوذ به عندنا. تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۵۳۱.



ای کسانی که گرویده‌اید نوشته شد بر شما روزه داشتن؛ همان گونه که نوشته گشت بر آنها که پیش از شما بودند، باشد پرهیزگار شوید.

﴿**آيَا مَا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مَسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ**﴾ (۱۸۴).

در روزهای شمرده، پس کسی که از شما بیمار یا در سفر باشد، شماره ای از روزهای دگر و کسانی که به طاقت فرسائی و تاب و توان می‌رسند روزه را، پس بدلی است [جانشینی] خوراك يك بينوا و آن که به رغبت نیکوتر به جا آورد پس آن برایش بهتر است و روزه داشتن شما برایتان به است اگر می‌دانستید.

﴿**شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان فمن شهد منكم الشهر فليصمه ومن كان مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العلة ولتكبروا الله على ما هداكم ولعلكم تشكرون**﴾ (۱۸۵).

ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن فرود آمد، رهنمونی برای مردم و نشانه‌های روشنی از هدایت و جدا کننده [میان درست و نادرست] و هر که از شما آن ماه را حضور یافت [درک و شهود کرد] پس باید روزه بدارد و هر که بیمار یا در سفر بود پس به شماره ای از روزهای دگر، خداوند آسانی برایتان می‌خواهد و درباره تان سختی اراده نمی‌کند و برای این که شماره [روزه] را کامل کنید و خدا را به بزرگی یاد کنید بر آنچه که شما را رهنمائی کرده، باشد که شما سپاسگزار شوید.

لغت

«صوم و صیام»: روزه داشتن، امساك و خودداری کردن از مطلق هر چیز مانند: خوردن، نوشیدن، سخن گفتن، همبستری کردن، راه رفتن و در اصطلاح فقهی و شرع امساك و خودداری از اموری محدود و مشخص در زمان معین.

«آيام»: روزها.

«معدودات»: شمرده‌ها.



«عَلَّة» : شمار، شماره، شمردن .

«أخِر» : جمع آخر؛ دیگر .

«طاقَت» : توانائی .

«اطاقه» : به کار بردن تمام نیرو در انجام کاری که با سختی و رنج اندر است .

«فدیه» : عوض، بدل، جانشین، آنچه که به جای چیزی دهند .

«طوع» : رغبت، میل یا فرمانبری، گردن نهادن مانند معنی طاعت .

«تَطَوُّعٌ» : تکلّف در فرمانبری است و در عرف به معنی تبرّع و انجام کار غیر واجب

که جنبه استحباب دارد؛ لذا مستلزم رغبت و میل در انجام کاری است که دشوار و سخت است .

«شهر» : ماه .

«بَيِّنَات» : نشانه های روشن .

«فِرْقَانٌ» : جدا ساختن که گاه در معنی فاعلی به کار می رود یعنی : جدا کننده و به

هر چیزی که حق را از باطل جدا و متمایز می کند، فرقان گویند و از همین جهت قرآن به فرقان وصف شده .

«شَهِدٌ وَ شَهِودٌ وَ شَهَادَةٌ» : در لغت به معنای حضور و معاینه آمده است «مَنْ شَهِدَ»

یعنی : کسی که حاضر باشد و ماه رمضان را درك کند .

«يسر» : آسانی .

«عسر» : دشواری .

«اكمال» : پایان دادن، از هر جهت تمام کردن، کامل ساختن .

«تكبير» : بزرگ داشتن، بزرگ شمردن، به بزرگی یاد کردن .

[در بیان تشریح روزه]

در این آیات - نظیر آیات قبل، قانون و حکم دیگری از لحاظ بندگی و عبادت

خطاب به مؤمنان و گرویدگان به اسلام به صورت فرض مقرر می شود. و فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ (۱۸۳).



ای کسانی که ایمان آوردید، نوشته شد بر شما روزه داشتن، چه از شرایط ایمان پذیرش دستور و فرمان الهی بدون چون و چرا است ولو که برخلاف میل و عادت آدمی باشد و یا اندیشه و فکر به مصالح و حکم آن با دانش بشری نرسد؛ زیرا فکر روشن و بی غرض همین قدر که سخن و فرمان را از جانب خدا و رسول به حق دانست، اگر همه مکتب های دیگر جهان مخالفت کنند تحت تأثیر قرار نگیرد و قائم به اتیان دستور خدا و رسولش شود.

﴿کما کتب علی الذین من قبلکم﴾.

همان گونه که واجب گشت بر کسانی که پیش از شما بودند.

[در بیان قید «من قبلکم»]

یعنی: امم گذشته قید این جمله می رساند که [اولاً]: حکم روزه در ملل پیش نیز وجود داشته .
و ثانیاً: تذکرش عاملی است که تکلیفی شاق و دشوار جلوه نکند و مسلمین دریابند که این دستور فرمانی نو و تازه نیست؛ بلکه پیشینیان نیز مأمور به چنین وظیفه ای بوده اند، از طرفی پیدا است که امر ناگوار وقتی جنبه همگانی داشت سهل و آسان تر تحمل می شود.

روایتی به نقل از تفسیر برهان در کتاب من لا یحضره الفقیه از جعفر بن قیاس نخعی است که گفت:

از حضرت صادق شنیدم که می فرمود: خداوند روزه ماه مبارک رمضان را بر هیچ یک از امم گذشته فرض نفرمود، گفتم: پس معنی آیه چه می شود؟ فرمود: که خدا روزه رمضان را ویژه انبیاء پیشین قرار داد، نه امثشان [بدیهی است فرض روزه برای امت ها بوده، منتها در غیر ماه مبارک رمضان] پس برتری بخشیده به آن این امت را و واجب کرد روزه داشتن را در این ماه بر پیامبر اکرم ﷺ و امتش.^۱

۱. و عنه، فی الفقیه: بإسناده عن سلیمان بن داود المنقري، عن حفص بن غياث النخعي، قال: سمعت أبا عبد الله ﷺ يقول: «إن شهر رمضان لم يفرض الله صيامه على أحد من الأمم قبلنا». فقلت له: فقول الله عز وجل: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ﴾. قال: «إنما فرض الله عز وجل صيام شهر رمضان على الأنبياء دون الأمم، ففضل الله به هذه الأمة، وجعل صيامه فرضاً على رسول الله ﷺ و على أمته». تفسیر البرهان، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۲۷۸/۲؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۹۸ - ۱۰۰، ح ۱۸۴۴.



و به نقل تفسیر نورالثقلین در دعای صحیفه است که حضرت فرمود:

سپس انتخاب فرمودی ما را بر سایر امم به روزه ماه رمضان و برگزیدی ما را نسبت به سایر ملل، پس به فرمان تو روزش را روزه داشتیم و شبش را با کمک و یاری تو قائم شدیم.^۱

و نیز از رسول اکرم در مضمون خطبه ای نقل است که فرمود:

ای مردم همانا این ماهی است که تحقیقاً خداوند شما را به آن ویژه ساخت و اینک شما را فرا رسید و آن سرور همه ماه های دیگر است.^۲

باری در ذیل آیه پس از صدور فرمان تذکر داد:

﴿لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾.

باشد که شما پرهیزگار شوید.

[اشاره به فلسفه وجوب روزه]

این جمله ظاهراً تعلیلی است در جهت تشریح، چه امساک از تمایلات طبیعی اعم از خوردن و نوشیدن و سایر مبطلات روزه توان و نیروئی به جان و روان می بخشد و در واقع تمرینی است تا آدمی بتواند در برابر هوا و خواهش نفس ایستاده و به فرمان خرد و فطرت و دستور خدا و رسول احترام نهد و از پیروی مکتب شیطان و خلاف حق منصرف شود. و سرانجام از فرجام کار و ثواب و عقاب آن بیندیشد. و از آنچه موجب سخت و خشم خدا است بازایستاده، خویشتن دار شود.

بدیهی است در اطراف مزایا و اثرات نیکوی روزه دانشمندان روانشناس و بهداشت

۱. فی ادعیة الصحیفة: «ثم آثرنا به علی سایر الامم، و اصطفیتنا دون أهل الملل، فصمنا بأمرک نهاره، و قمنا بعونک لیله». تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۵۴۷؛ صحیفة کامله فی ضمن دعائه علیه السلام فی وداع شهر رمضان، ص ۲۲۶، از دعای: ۴۵.

۲. . عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسين بن سعيد، عن فضالة بن أيوب، عن سيف بن عميرة، عن عبد الله بن عبد الله، عن رجل، عن أبي جعفر علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله لما حضر شهر رمضان وذلك في ثلاث بقين من شعبان قال لبلال: ناد في الناس فجمع الناس ثم صعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: أيها الناس إن هذا الشهر قد خصكم الله به وحضركم وهو سيد الشهور ليلة فيه خير من ألف شهر، تغلق فيه أبواب النار وتفتح فيه أبواب الجنان فمن أدركه ولم يغفر له فأبعده الله ومن أدرك والديه ولم يغفر له فأبعده الله ومن ذكرت عنده فلم يصل على فلم يغفر الله له فأبعده الله. الكافي، ج ۴، ص ۶۷، ح ۵



و کارشناسان علم الاجتماع و اخلاق و اقتصاد سخن ها گفته اند و کتاب ها نوشته اند . و اگر چه نیکو است که آدمی فلسفه احکام را تا آنجا که درخور و توان است بداند و بفهمد ، لیکن آنچه مسلم و قطعی است این که بنده حق همواره باید فرمانبر و منقاد مالک و خالق خود باشد و صرفاً دستور را بر مبنای اطاعت و بندگی و تسلیم و رضا پیاده کند ، نه به خاطر آثار و بهره ها یا نتایج حاصله و مترتبه بر آن در دنیا .

و نیز برای آگهی نسبت به تشریح روزه سخنانی از جانب ائمه اطهار رسیده ، من جمله از عیون الاخبار ضمن حدیثی در تفسیر مذکور [نور الثقلین] نقل است و مضامین آن حاکی است :

که فضل بن شاذان از حضرت رضا علیه السلام شنید که می فرمود : اگر کسی گوید : چرا خداوند فرمان باتیان روزه داد؟ گفته می شود : به جهت این که مردم درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و بر تهی دستی روز بازپسین ره جویند و تا روزه دار فروتن باشد و خوار زیون و مآجور ، ناهی و بازایستاده از هر بدی و زشتی [یا حسابگر خویش با آشنائی و درک درست] او شکیبیا در برخورد ناراحتی و سختی های تشنگی و گرسنگی ، در این حال با شکست خواهش های نفس در خود او را مزد و پاداشی است به سزا و تا در جهان روزه اندرزگر آنان باشد و رام کننده بر انجام آنچه که ایشان را دشوار جلوه گر است و حجّت و رهنمائی در روز رستخیز ؛ و برای اینکه حدّ سختی آن را در این سرا بر مردم بینوا و مستمند آگه شوند و در نتیجه حقوقی را که خداوند در اموالشان بر آنان فرض فرموده پردازند .^۱

سپس برای این که باز هم روزه داری آسان تلقی شود و دلها نیکوتر آماده پذیرش دستور شوند فرمود :

﴿ **آیاماً معدودات** ﴾ (۱۸۴) .

روزهائی معدود و شمرده . یعنی : یک ماه [۳۰ روز] در جریان سال که اندک است و

۱ . فإن قال : فلم أمر بالصوم؟ قيل : لكي يعرفوا ألم الجوع والعطش فليستدلوا على فقر الآخرة وليكون الصائم خاشعاً ذليلاً مستكيناً مأجوراً محتسباً عارفاً صابراً على ما أصابه من الجوع والعطش فيستوجب الثواب مع ما فيه من الانكسار عن الشهوات وليكون ذلك واعظاً لهم في العاجل ورائضاً لهم على أداء ما كلفهم ودليلاً لهم في الاجل وليعرفوا شدة مبلغ ذلك على أهل الفقر والمسكنة في الدنيا فيؤدوا إليهم ما افترض الله لهم في أموالهم . عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲ ، ص ۱۱۶ ، ح ۱ : باب ۳۴ ؛ تفسیر نور الثقلین ، ج ۱ ، ص ۱۶۳ ، ح ۵۵۰ .



ناچیز در برابر ۱۲ ماه، نصب «ایاماً» یا از ناحیه «صیام» که مصدر است بوده یا به تقدیر «صوموا» یا «بأن تصوموا» و یا ظرف است و منصوب به جهت برداشتن حرف جار یعنی: «فی» و نیز در شرایط سخت و بیماری یا هنگام مسافرت یا عدم تمکّن و توانائی جسمی که روزه با تکلف و مشقّت در سنین کهولت و پیری توأم است، خدای مهربان که به همه حالات بندگان و جوانب امور، او را بصیرت و آگهی است استثناء کرده فرمود:

﴿فمن كان منكم مريضاً أو على سفر﴾ .

پس هر کس از شما که بیمار باشد و یا در سفر:

﴿فعدة من أيام آخر﴾ .

پس [بر او است] شماره‌ای از روزهای دگر.

یعنی: بر چنین فردی واجب است که به تعداد همان روزها- که موظّف به افطار بوده، بعداً در جریان سال با حال سلامت و بودن در موطن روزه بگیرد.

﴿وعلى الذين يطيقونه﴾ .

[اشاره به جعل فدیة برای افراد ناتوان]

و بر کسانی که روزه را طاقت فرسا می‌شوند. و تاب و توان به غایت می‌رسد و به تکلف و مشقّت می‌افتند، چون پیران سالمند یا آنها که تحمل تشنگی نداشته یا به احتمال عقلانی در خود آسیبی می‌اندیشند و از این قبیل نظایر [که فروع مسائل را باید به کتب فقه مراجعه نمود]

﴿فدية طعام مسكين﴾ .

پس عوض است و جانشین، که عبارت از خوراك يك بينوا است یعنی: درویشی را به طعامی سیر کند یا مدّی گندم دهد.

﴿فمن تطوع خيراً فهو خير له﴾ .

و هر کس به میل و رغبت نیکوتر عمل نمود پس برای وی پسندیده تر است.

یعنی: اگر طعام به بیش از يك مستمند بداد، یا از يك مدّ گندم و نان که ده سیر است به درویشی اضافه داد، یا روزه را با تکلف و غایت تاب و توان گرفت [البته در حدّ



فشار و سختی نه زیان و بیماری]. پس برای او بهتر است و پاداش و مزدش زیادتیر، چه: «افضل الاعمال احمزها»^۱ و سرانجام برای تشویق و ترغیب در زمینه و جوب روزه تذکر داد که:

﴿وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾.

و روزه داشتن شما نیکو یا نیکوتر است برایتان اگر می دانستید و دانش بکار می بردید. همان مزایا که از نظر مصداق امام هشتم علیه السلام در حدیثی^۲ بیان فرمود و علل تشریح و آثار آن را به خاطر آورد، و سپس برای بزرگداشت این ماه شریف و مبارک فرمود که:

﴿شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن﴾ (۱۸۵).

ماه رمضان همان ماهی است که در آن، قرآن فرود آمد.

[سؤال و جواب از يك تنافی ظاهری]

اگر گویند: که قرآن نجوماً و به تدریج در جریان ۲۰ یا ۲۳ سال نازل شد، جمعش با آیه مورد بحث چگونه خواهد بود؟
در پاسخ گفته اند:

۱. قرآن به صورت مجموع در بیت المعمور که محلی است در آسمان چهارم و جای طواف فرشتگان است، دفعه نازل گشت و سپس از آنجا تدریجاً به وسیله فرشته وحی [جبرئیل] بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله خوانده شد، بر حسب روایتی^۳ و مانعی نیست که نزول آن را در بیت المعمور حضرت نیز واقف بوده است.

۱. الكافي والفقیه والتهدیب: بأسانیدهم عن الصادق علیه السلام قال: صلاة فريضة خير من عشرين حجة وحجة خير من بيت مملو ذهباً يتصدق منه حتى يفنى أو حتى لا يبقى منه شيء. فان قيل: فما وجه الجمع بين هذا الخبر على هذا الوجه، وبين الخبر المشهور بين الخاصة والعامة: أن أفضل الاعمال احمزها؟ بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۲۲۷، ح ۵۵ و آخر صفحه ۲۲۸ و اول صفحه ۲۲۹ در رابطه با: فان قيل ...

۲. عيون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۱۶، باب ۳۴، ح ۱؛ تفسير نور الثقلين، ج ۱، ص ۱۶۳، ح ۵۵۰.
۳. علي بن إبراهيم، عن أبيه. و محمد بن القاسم، عن محمد بن سليمان، عن داود، عن حفص بن غياث، عن أبي عبد الله علیه السلام - قال: سألته عن قول الله - عزّ و جلّ - ﴿شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن﴾. و إنما أنزل في عشرين سنة بين أوله و آخره. فقال أبو عبد الله علیه السلام: نزل القرآن جملة واحدة في جملة شهر رمضان، إلى البيت المعمور. ثم نزل في طول عشرين سنة. الكافي، ج ۲، ص ۶۲۸ ح ۶.



۲. به اعتبار آغاز نزول اولین آیات قرآنی در ماه مبارک رمضان،^۱ چه به برخی از قرآن اطلاق قرآن می توان نمود.

۳. و نیز برخی از مفسرین چون فیض در صافی^۲ متذکر است: که غرض از بیت المعمور قلب مبارک آن حضرت است چه خداوند فرمود:

﴿نزل به الروح الامین . علی قلبك لتكون من المندرين﴾ (شعراء (۲۶): ۴-۱۹۳).

روح الامین [جبرئیل] آن را [قرآن] بر دل تو فرود آورد، تا تو از بیم دهندگان باشی، که در این صورت منظور از نزول معانی قرآن دفعه در ماه مبارک رمضان است نه الفاظ و کلمات آن و سپس آیات و سوره قرآنی نجومی و به تدریج در جریان ۲۳ سال به وسیله جبرئیل نازل گردید، و این معنا مستند می شود به آیه:

﴿لا تحرك به لسانك لتعجل به﴾ (قیامت (۷۵): ۱۹-۱۶).

که حضرتش بیش از تمام آیه به وسیله جبرئیل در خواندن آن تعجیل می فرمود، خطاب رسید که: در خواندن آیات قرآن به شتاب زبان خویش مگردان، که همانا گردآوری قرآن و خواندن آن بر ما است. پس وقتی که آن را خواندیم تو خواندن را پیروی کن، سپس همانا بیان آن بر ما است.

یا آیه: ﴿ولا تعجل بالقرآن من قبل أن یقضی الیک وحیه﴾ (طه (۲۰): ۱۱۴).

در خواندن شتاب مکن، پیش از این که وحیش به تو انجام پذیرد. ظاهراً این آیات حاکی است که پیامبر بزرگوار پیش از نزول آیات قرآن معانی آنها را می دانست و لذا دستور می رسد که قبل از خواندن جبرئیل و پایان یافتن کلمات وحی در قرائت آن شتاب مکن.

در حدیثی از ابن عباس نقل است:

که پس از نزول این آیات حضرت صبر می فرمود تا گفتار جبرئیل خاتمه یافته و آن گاه که از حضور رسول اکرم می رفت آن بزرگوار آیه یا سوره مورد وحی را

۱. تفسیر التبیان، ج ۲، ص ۱۲۲.

۲. تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۶۵ از مقدمه نهم.



قرائت می فرمود.^۱

بنابراین پیدا است که معانی قرآن قبلاً در قلب مبارکش بوده و اما الفاظ و ترکیب بندی آیات و سوره چنان که از جمله:

﴿إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ﴾ (قیامت (۷۵): ۱۹-۱۶).

روشن است پس از خواندن در قلب آن حضرت ثبت و ضبط می گردید؛ به ویژه که آیه: ﴿سَنُقَرِّئُكَ فَلَا تَنْسَى﴾ (اعلی (۸۷): ۶) مفهیم همین معنا است و از جانب خداوند به حضرتش وعده عدم نسیان آیات قرآنی داده می شود، تا مردم این حقیقت را بدانند که فراموشی در دست خدا است و متوجه شوند که حافظه و عدم نسیان ذاتی افراد حتی شخص رسول اکرم ﷺ نیست و وابسته به خواست و اراده پروردگار جهان است در مورد:

﴿ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ﴾ (قیامت (۷۵): ۱۹).

گفته اند: که بیانش در شب قدر باشد که عبارت است از، تأویل برخی از آیات، آن چنان که در حدیث دیگر آمده که در شب قدر هر سال تأویلات آیه ای که مربوط به آن سال است بر پیامبر و پس از رحلت آن حضرت بر امام و ولی وقت، به وسیله فرشتگان نازل و بیان می شود^۲ و سوره قدر ناظر به همین معنا است و این خود یک نوع بزرگ

۱. أخرج الطيالسي و أحمد و عبد بن حميد و البخاري و مسلم و الترمذي و النسائي و ابن جرير و ابن المنذر و ابن أبي حاتم و ابن الأنباري في المصاحف و الطبراني و ابن مردويه و أبو نعيم و البيهقي معا في الدلائل عن ابن عباس قال: كان رسول الله ﷺ يعالج من التنزيل شدة و كان يحرك به لسانه و شفثيه مخافة ان يتفلت منه يريد ان يحفظه فانزل الله ﴿لا تحرك به لسانك لتعجل به﴾ ان علينا ان نجمله في صدرك ثم تقرأه ﴿فإذا قرأناه﴾ يقول إذا أنزلناه عليك ﴿فاتبع قرآنه﴾ فاستمع له و أنصت ﴿ثم إن علينا بيانه﴾ بينه بلسانك و في لفظ علينا ان نقرأه فكان رسول الله ﷺ بعد ذلك إذا أتاه جبريل أطرق و في لفظ استمع فإذا ذهب قرأ كما وعده الله عز و جل . عبدالرحمن جلال الدين سيوطي الدر المنثور في تفسير المأثور، ج ۶، ص ۲۸۹.

۲. أقول: في خبر المفضل بن عمر الذي مضى بطوله في كتاب الغيبة أنه قال الصادق عليه السلام: يا مفضل إن القرآن نزل في ثلاث وعشرين سنة، والله يقول: ﴿شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن﴾ وقال: ﴿إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا منذرين . فيها يفرق كل أمر حكيم . أمرا من عندنا إنا كنا مرسلين﴾ وقال: ﴿لولا نزل عليه القرآن جملة واحدة كذلك لثبت به فؤادك﴾ . قال المفضل: يا مولاي فهذا تنزيله الذي ذكره الله في كتابه، وكيف ظهر الوحي في ثلاث وعشرين سنة؟ قال: نعم يا مفضل أعطاه الله القرآن في شهر رمضان وكان لا يبلغه إلا في وقت استحراق الخطاب، ولا يؤديه إلا في وقت أمر ونهي فهبط جبرئيل عليه السلام بالوحي فبلغ ما يؤمر به وقوله: ﴿لا تحرك به لسانك لتعجل به﴾ فقال المفضل: أشهد أنكم من علم الله علمتم، وبقدرته قدرتم وبحكمه نطقتم، وبأمره تعملون .

داشت و سلطنت خدائی است برای نبی اکرم ﷺ و اوصیاء آن حضرت ﷺ در طول زمان، آن گاه توصیفی از قرآن کرده فرمود:

﴿هدی للناس﴾ (۱۸۵).

در حالی که رهنمونی است برای مردم.



کلمه «ناس» جمیع افراد را در طول زمان شامل است بدیهی است هر فرد در هر مسلک و مرام که مراجعه به قرآن نماید و در آیات آن تدبّر و تعقل کند، از راهنمائی آن در زمینه های مختلف علمی و اخلاقی بهره برگیرد، که خود نوعی هدایت است و اگر به آن اعتقاد و ایمان بست و با عمل و خلوص دل در اوامر و نواهی پروردگار بکوشد آن وقت حقایق دیگری از قرآن برای او روشن می شود، که عبارت از:

﴿وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾.

و نشانه هائی روشن از هدایت و تمیز دهنده و جدا کننده [میان درست از نادرست].
و در این سیر و کمال او را حدّ یقفی نیست و هر چه بیشتر گام در راه بندگی نهد علوم و معارف قرآنی و اسرار و حکم آن زیبا و عمیق تر جلوه گر است، چه هر روز و هر آن هدایتی تازه و نو برایش ظاهر می شود. باری چنین قرآنی در چنین ماهی مبارک و با عظمت نازل گشت.

﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ﴾.

و هر کس از شما این ماه را حضور یافت و شهود و درک کرد، پس باید آن را روزه بدارد.

﴿الَّذِي أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ﴾ یعنی آنزل بیانه و تأویله فی لیلة القدر منه، واما تنزیله، فکان من ابتداء بعثة النبي إلى أوان وفاته. کذا استفاد مما ورد. وفي رواية: «نزل القرآن جملة واحدة في شهر رمضان إلى البيت المعمور، ثم نزل في طول عشرين سنة». ﴿هدی للناس﴾ أي: أنزل في ليلة القدر بيانه، وتأويل متشابهه ليكون هدی للناس ﴿وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ﴾: بتفريق المحکم من المتشابه، وبتقدير الأشياء، وتبيين خصوص الوقایع التي تصيب الخلق في كل سنة إلى ليلة القدر الآتية، وذلك يكون في كل عصر و زمان لصاحب ذلك العصر والزمان. والفرقان: هو المحکم الواجب العمل به، وهو بعينه ما قاله عز وجل في الدخان: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مَبْرُكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ﴾ فيها يفرق كل أمر حكيم ﴿أي محکم. کذا استفاد مما ورد. بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۲۸، بعداز حدیث ۴؛ التفسیر الأصفی، ج ۱، صص ۸۷ - ۸۸



امام هشتم علیه السلام ضمن حدیثی که در پیش گذشت در پاره‌ای از بیانات خود می‌فرماید: اگر گویند: که چرا خداوند روزه گرفتن را در ماه رمضان غیر از سایر ماه‌ها قرار داد، گفته می‌شود: برای این که در این ماه خداوند تعالی قرآن را که راهنما برای مردم و شواهدی روشن از هدایت و متمایز حق از باطل است فرود آورد. و در این ماه شب قدری است که از هزار ماه بهتر، و در آن شب هر امر استوار و محکمی معین و ممتاز می‌شود. و آغاز سالی است که در آن آنچه در جریان سال از نیکی و بدی و زیان و سود و روزی و أجل هست مقدر می‌شود و به همین لحاظ شب قدر نامیده شد.^۱

باری از این فرمان کلی که حاکی از وجوب روزه گرفتن برای همگان در ماه مبارک رمضان است عدّه‌ای را استثناء کرده فرمود:

﴿ومن كان مريضا أو على سفر فعدة من أيام أخر﴾.

و هر کس که بیمار باشد یا در سفر، پس شماره‌ای از روزهای دیگر. یعنی: به تعداد همان روزهایی که بیمار یا در سفر بوده باید از روزهای سال روزه بگیرد.

[اشاره به غرض تکرار آیه]

گفته‌اند: تکرار آیه یا به جهت تاکید و یا در نوبت اول، به خاطر تسهیل و آسان نمایاندن روزه در انتظار و آمادگی مردم برای پذیرش آن. و مرتبه دوم، در مقام تشریح حکم نسبت به بیمار و مسافر است. پیدا است سخن را در اینجا مقام بحث در فروع مسائل نیست و باید برای این منظور به احادیث و کتب فقه مراجعه کرد.

﴿يريد الله بكم اليسر ولا يريد بكم العسر ولتكملوا العدة﴾.

خداوند درباره شما آسانی می‌خواهد و برایتان سختی اراده نمی‌کند و برای این که سرانجام شماره‌های روزه را کامل کنید.

۱. فإن قال: فلم جعل الصوم في شهر رمضان خاصة دون سائر الشهور؟ قيل: لأن شهر رمضان الشهر الذي أنزل الله تعالى فيه القرآن وفيه فرق بين الحق والباطل كما قال الله عز وجل ﴿شهر رمضان الذي أنزل فيه القرآن هدى للناس وبينات من الهدى والفرقان﴾ وفيه نبئ محمد صلى الله عليه وسلم وفيه ليلة القدر التي هي خير من ألف شهر وفيها ﴿يفرق كل أمر حكيم﴾ وهو رأس السنة يقدر فيها ما يكون في السنة من خير أو شر أو مضرة أو منفعة أو رزق أو أجل ولذلك سميت ليلة القدر. عيون أخبار الرضا عليه السلام ج ۲، ص ۱۱۵، ح ۱، باب ۳



این بیان حاکی از علت استثناء حکم در مواردی خاص نسبت به روزه داشتن است، زیرا با ابتلاء به بیماری یا عزیمت در سفر شخص را روزه بودن سختی و عسرت است و خداوند آن را در باره مؤمنان نخواست، از طرفی چون اراده تشریحی پروردگار تعلق گرفته که بندگان در جریان سال يك ماه تمام روزه بدارند، لذا مقرر فرمود: برای کسانی که همه یا برخی از روزهای ماه رمضان را به علتی معین معذورند در سایر روزهای سال جبران کنند، تا انجم يك ماه تمام تحقق یابد، لذا برخی گفته اند: که «لام» ﴿لتكملوا﴾ که عطف بر ﴿پیرید﴾ است غرض و غایت حکم را بیان می کند:

﴿ولتكبروا الله على ما هداكم﴾.

و برای این خدای را بزرگ شمردید و به عظمت یاد کنید در آنچه که شما را هدایت و رهنمائی فرمود. پیداست عظیم شمردن خدا محترم دانستن فرمان و به کار بستن اوامر و نواهی او است من جمله روزه داشتن در حضر و ترك آن در بیماری و سفر. و نیز از مصادیق آیه تکبیراتی را در نماز بامداد و مغرب و عشاء [در شب عید فطر] از امام صادق نقل کرده اند.^۲

﴿ولعلمكم تشكرون﴾.

و باشد که شما سپاسگزار شوید [از این دستور و راهنمائی]. چه اجرای این فرمان سود و مزایائی را در دنیا و آخرت برای شما متضمن است که به عنوان مصداق نمونه هائی در کلام امام همام علی بن موسی الرضا علیه السلام برفت.

و نیز روشن است هنگامی که بنده ی فرمان بر گامی استوار در راه طاعت حق نهاد - با انجم فریضه روزه که خودداری از خوردن و نوشیدن و سایر مبطلات دیگر است

۱. تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۴.

۲. محمد بن یعقوب: عن علي بن محمد، عن أحمد بن أبي عبد الله، [عن أبيه]، عن خلف بن حماد، عن سعيد النقاش، قال: قال أبو عبد الله عليه السلام لي: «أما إن في ليلة الفطر تكبيرا، ولكنه مسنون. قال: قلت: و أين هو؟ قال: «في ليلة الفطر في المغرب والعشاء الآخرة، وفي صلاة الفجر، وفي صلاة العيد، ثم يقطع». قال: قلت: كيف أقول؟ قال: «تقول: الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله، والله أكبر، الله أكبر، والله أكبر، و لله الحمد، الله أكبر على ما هدانا وهو قول الله عز وجل: ﴿ولتكملوا العدة﴾ يعني الصيام (ولتكبروا الله على ما هداكم). الكافي، ج ۴، ص ۱۶۶، ح ۱، باب: التكبير ليلة الفطر.



روح خود را تقویت بخشیده، بر شهوات نفس غالب و در ترك سایر محرمات نیروئی می یابد که همه ی اعضاء تن و اندیشه و روان را در مسیر حق و رضای خالق و مالک خود به کار برد و از ارتکاب به هر زشتی و گناه خویش نگهدارد، آن وقت با انجام چنین دستوری آیا جامعه بشری به راه اصلاح و صواب نمی رسد؟ و فساد و تبه کاری ریشه کن نمی شود؟ بدیهی است چرا.

بنابر این جای هر گونه سپاس نسبت به ساحت قدس ربوبی است که بندگان را به چنین فرمانی نیکو و سود بخش هدایت فرمود.

و در پایان تفسیر این فراز باید گفت: که احادیث متعددی درباره هر يك از آیات نسبت به فروع مسائل رسیده که نقل و شرح آنها از حوصله این مقوله خارج و احکام هر يك در کتب فقه و رساله های مربوطه مضبوط است و چون روزه دار را دعا و اجابت و استجاب و راز و نیاز با خداوند نوعاً از لوازم است چنان که در حدیث^۱ آمده: «دعوة الصائم لا ترد» در خواست و خواندن روزه دار از جانب خداوند رد نمی شود؛ شاید بی تناسب نیست که در آیه بعد بلافاصله سخن از دعا و اجابت حق به میان آمد و فرمود:

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أَدْعُوا إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾ (۱۸۶).

و چون تو را بپرسند بندگان من از من، پس همانا که من نزدیک بوده، خواهش خواننده را پاسخ دهم آن گه که مرا خواند، بنابراین باید از من در خواست کنند و پاسخگوی دعوتم باشند و به من بگردند، باشد که ایشان ره یابند.

[دعا راهی به گنجینه های رحمت خدا]

با توجه بیشتری در آیه می توان دریافت که به قدری رحمت و شفقت و لطف و مکرمت از خدای بزرگ به بنده کوچک و ناچیز سرا زیر شده، که او را در دریای بی حد کرم غوطه وری داده است تا جائی که استشمام نام یا رفیق به مشام مغز و زمزمه اسم

۱. تذکره الفقهاء، ج ۴، ص ۲۰۶، از مسأله: ۵۱۱، ح: رسول الله ﷺ.